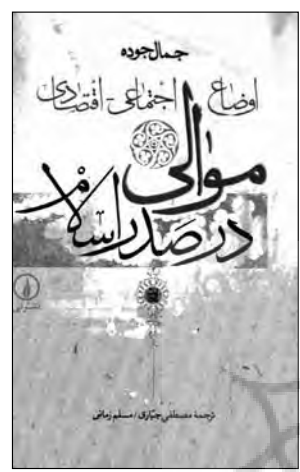


اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام

حسن یگانه



○ اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام
 ○ تألیف: جمال جوده
 ○ مترجمان: مصطفی جباری و مسلم زمانی
 ○ ناشر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۱، ۲۳۱ ص، ۲۰۰۰ تومان، شابک ۹۶۴-۳۱۲-۶۷۴-۹

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
 دی و بهمن ماه
 ۱۳۸۲

۲۰۷

موالی و جایگاه ایشان در ساختار اجتماعی جامعه عرب و مناسبات متقابل آنها از جمله مباحث مهم در تاریخ صدر اسلام، به ویژه در ارتباط با ایران است. کتاب حاضر که «ولاء» را از دوره جاهلیت عرب تا اواخر دوره اموی در برمی گیرد، کوششی است در جهت روشن ساختن مفهوم ولاء و تبیین نقش و جایگاه و سلسله مراتب موالی نزد اعراب.

کتاب با پیشگفتار مترجمان، مقدمه‌ای از عبدالعزیز الدوری و مقدمه مؤلف آغاز می‌گردد و شامل چهار فصل است:
 فصل اول: ولاء در دوران جاهلیت
 فصل دوم: ولاء در دوره اسلام
 فصل سوم: اوضاع اقتصادی
 فصل چهارم: اوضاع اجتماعی

مؤلف در مقدمه خود، ابتدا ضرورت پرداختن به موضوع موالی را مطرح ساخته و عدم وجود پژوهشی جدی در این زمینه را، انگیزه اصلی خود برای تألیف این کتاب برشمرده است. به تصریح مؤلف کتاب حاضر از نظر زمانی، پیش از اسلام تا پایان دوره اموی و از نظر جغرافیایی همه حجاز و شام و عراق را در برمی‌گیرد. مؤلف سپس با اشاره به منابع و متون دسته اول راجع به موضوع موالی، مهمترین آثار در این زمینه را برشمرده و در ادامه به نقد و ارزیابی پژوهش‌های معاصر پرداخته است. به اعتقاد وی این پژوهش‌ها بر تمایز و تفاخر عرب بر گروه موالی تأکید زیادی ورزیده و کوشیده‌اند تا این نکته را در آثار خود اثبات نمایند که دولت اموی، «دولتی عربی» بود و امتیازاتی به سود اعراب و به زیان موالی در همه نهادها و سازمان‌های مربوطه، مقرر می‌کرد

به شدت تلاش می‌کرد انگلستان را به حمایت ایران ترغیب نماید.^۱
 شورش و انقلاب ۱۲۹۳ - ۱۲۶۹ (۱۹۱۴ - ۱۸۹۰) از دیگر مباحث این نوشتار به زمینه‌های شورش و انقلاب اختصاص دارد. در این بخش مسائلی چون انتشار روزنامه‌ها و نهضت مبارزه با تنباکو از جمله مهم‌ترین موضوعات کتاب می‌باشد. نویسنده معتقد است از ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۲ جنبش‌هایی پدید آمد که در آن همکاری چشمگیر بین تجار، غیرمذهبی‌ها و علمای مخالف شکل گرفت. گرچه در همه موارد همراهان اهدافی را در برابر مردم قرار می‌دادند که با هم ناسازگار بود و پس از پیروزی این جنبش‌ها، این همراهی‌ها و همکاری‌ها تا حدی فرو می‌پاشید. «نیکی کدی» در ارتباط با فتوای میرزای شیرازی چندین ویژگی برای نهضت تنباکو نام می‌برد تا حدی که این ویژگی‌ها در نهضت‌های توده‌ای فراگیر بعدی انقلاب مشروطه مانند نهضت ملی مصدق و انقلاب اسلامی نیز خود را نشان داد. در همه این نهضت‌ها بازاریان (و بعدها دیگر عناصر طبقه متوسط) بخشی از علما و روشنفکران - اصلاح‌طلبه انقلابی و ملی‌گرا نقش داشتند. در هیچ یک از این نهضت‌ها دهقانان یا ایلاتی‌ها، به جز چند مورد استثنایی، نقش مهمی نداشتند.

بررسی زمینه‌های انقلاب مشروطه، تشکیل مجلس، آزادی مطبوعات و احزاب، قیام ستارخان و باقرخان در تبریز و امتیازنامه نفت مباحثی است که نویسنده در بخش انقلاب ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵ نیم‌نگاهی به آن داشته است.

پنجمین مبحث به جنگ جهانی و کودتای ۱۲۹۹ اختصاص دارد. نیکی کدی با بررسی تاجگذاری احمدشاه، جنگ جهانی اول، ورود قوای روس و انگلیس به ایران، همچنین قیام‌هایی چون قیام جنگل و شیخ محمد خیابانی معتقد است که «نه خیابانی و نه کوچک خان خود و نهضت خویش را جدایی طلب نمی‌دانستند، برعکس آنها و پیروانشان خود را مدافع ملی ایران در برابر فساد، بی‌کفایتی و سلطه‌پذیری کامل حکومت مرکزی در برابر انگلیسی‌ها می‌دانستند... در واقع برخی قیام‌های محلی نظیر نهضت جنگل در گیلان بیانگر آرمان‌های ملی‌ای بود که به نظر می‌رسید دولت، آنها را به بیگانگان فروخته است.»^۲

پایان بخش مطالب این کتاب رضاخان از کودتا تا تاجگذاری ۱۳۰۴ - ۱۲۹۹ است.

نظر عمومی ایرانیان از گذشته تاکنون بر این بوده است که کودتای فوریه (سوم اسفند) را انگلیسی‌ها طراحی کردند، حال آنکه بسیاری از ناظران و پژوهشگران دیگر بر این عقیده‌اند که نقش انگلیس از آنچه ایرانیان ادعا می‌کنند کوچکتر بوده است. نیکی کدی معتقد است: در کودتای ۱۲۹۹ وزارت امور خارجه انگلستان دخالتی نداشت و انگلیسی‌های محلی که دخالت داشتند سناریوی کودتایی را که عملاً اتفاق افتاد طراحی نکرده بودند. در مورد رضاخان باید گفت: درست است که کمک انگلیسی‌های حاضر در صحنه در برآمدن او نقش مهمی داشت. اما باید این را هم در نظر گرفت که او هرگز آن طور که ایرانیان می‌نگریستند آلت دست انگلیسی‌ها نبود. نویسنده با نگاه به مسئله برکناری سید ضیاء، مقام وزارت جنگ رضا و تغییر سلطنت بر این باور است که رضاخان پس از آنکه اطمینان یافت که در صورت اعلام تغییر سلطنت، انگلیسی‌ها مداخله نخواهند کرد، به انجام این کار مبادرت ورزید.

از دیگر مباحث این کتاب نتیجه‌گیری و مقاله فرخ جعفری با عنوان ساختمان‌ها و اجراهای نمایشی در تهران می‌باشد که نیکی کدی آن را ترجمه و در پایان کتاب پیوست نموده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نیکی آر. کدی: ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران، ققنوس)، ۱۳۸۱ ص ۱۳.
۲. همانجا، ص ۶۲.
۳. همان منبع، ص ۱۳۳.

کتاب «اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام» که «ولاء» را از دوره جاهلیت عرب تا اواخر دوره اموی در بر می گیرد، کوششی است در جهت روشن ساختن مفهوم ولاء و تبیین نقش و جایگاه و سلسله موالی نزد اعراب

و سرانجام همین امر به قیام عباسیان که بر دوش موالی بر پا شده بود، منجر شد و به «دولت عربی» پایان بخشید. (ص ۱۵)

مؤلف سپس به پژوهش‌های صورت گرفته توسط اعراب در دو قرن اخیر اشاره نموده و خاطر نشان ساخته است که این پژوهش‌ها از دو جریان فکری، که یکی نماینده «ملی‌گرایی» و دیگری نماینده «اسلام‌گرایی» است، تأثیرپذیر بوده‌اند. وی سپس به چهره‌های برجسته این دو جریان اشاره کرده و محمد بدیع الشریف صاحب کتاب *الصراع بین العرب و الموالی* را نماینده رویکرد ملی‌گرایی و محمد طیب النجار نویسنده کتاب *الموالی فی العصر الاموی* را نماینده جریان اسلام‌گرایی، معرفی نموده است. وی سپس متذکر می‌گردد که در بحث از موالی باید به این نکته توجه داشت که موالی به عنوان یک طبقه اجتماعی واحد محسوب نمی‌شدند، بنابراین موضع‌گیری سیاسی واحدی نیز نداشتند و به تبع آن برخورد سیاسی بنی‌امیه با موالی نیز، برخورد یکسانی نبوده است؛ بلکه این اوضاع و شرایط و تحولات مختلف هر ناحیه بوده، که در موضع‌گیری موالی و بنی‌امیه و عرب نسبت به هم، نقش اول را به عهده داشته است. (ص ۱۷)

فصل اول، ولاء در دوران جاهلیت:

نویسنده در این فصل پنج مبحث: «ولاء قرابت»، «ولاء حلف»، «ولاء جوار»، «ولاء عتق» و ترکیب اجتماعی قبیله در دوران جاهلیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. ولاء قرابت به پیوندهای خویشاوندی و همخونی میان افراد یک قبیله اطلاق می‌شده است و محترم‌ترین و قوی‌ترین ولاء محسوب می‌شد. «ولاء حلف» گسترده‌ترین شکل ولاء نزد عرب پیش از اسلام و پیمان یا قراردادی بود که میان چند طرف که قصد تعاون و همیاری میان خود داشتند، منعقد می‌شد. نویسنده بازارهای عمومی مانند عکاظ و ذی‌المجاز و همچنین کعبه و دارالندوه و یا خانه‌های شیوخ قبایل را از مکان‌های انعقاد این پیمان برشمرده، که به طور عمده در ماه‌های حرام صورت می‌گرفته است. (ص ۲۳) نویسنده متذکر گردیده که در برقراری پیمان حلف، دین و نسب و نژاد تأثیری نداشته، چنانچه شواهدی نیز از هم پیمانی اعراب شمالی و جنوبی با یکدیگر و ایرانیان مقیم یمن، «ابناء»، با قبیله حمدان و پیمان‌هایی میان یهود و اعراب در دست است. (ص ۳۶-۳۷) به گمان نویسنده ولاء حلف و حاکمیت آن در شبه‌جزیره عربستان از شهرت قبیله‌گرایی در بین اعراب می‌کاست و فرصتی به وجود می‌آورد تا آن وحدت سیاسی گسترده‌ای که اسلام از طریق تبدیل ولاء حلف به «ولاء عقیده» به وجود آورد، توان ظهور و بروز یابد.

یکی دیگر از انواع ولاء، «ولاء جوار» بود. که عبارت بود از حمایت یک طرف از طرف دیگر از طریق همزیستی با او، آن هم به خاطر ترس از عملی که وجود یا زندگی طرف مقابل را تهدید می‌کرد. نویسنده به مواردی از

پیمان‌های جوار در بین اعراب اشاره نموده است و شرایط و وظایف متقابل آنها را نیز برشمرده است. سپس به تفاوت بین جوار و حلف اشاره نموده و جوار را پیمانی موقتی و حلف را پیمان تعاون و همکاری متقابل و مستمر خوانده است. (ص ۵۱)

«ولاء عتق» (برده آزاد شده) نیز از جمله دیگر انواع ولاء قبل از اسلام بوده است. نویسنده منشأ بردگی را دو راه تجارت و اسارت برشمرده و علاوه بر این،

کنیززادگان را نیز منشأیی برای بردگی ذکر کرده است. نویسنده در بحث از ترکیب اجتماعی قبیله، آن را متشکل از موالی قرابت، موالی حلف، موالی عتاقه، موالی جوار و بردگان دانسته است. وی نتیجه می‌گیرد که قبیله در پیش از اسلام، مجموعه‌ای از مردم بود که نه فقط رابطه نسب یا خون یا قرابت آنان را به هم پیوند می‌داد، بلکه رابطه‌ای دیگر هم وجود داشت و آن عبارت بود از رابطه تعاون، یاری و مصالح مشترک که از طریق ولاء حلف، جوار و عتق، محقق می‌شد. (ص ۶۴)

فصل دوم، ولاء در دوره اسلام:

این فصل شامل مباحث: ولاء عقیده، ولاء عتاقه، محدود کردن مفهوم ولاء به غیر عرب، ولاء تبعاعه، ارث محلی و آرای فقها در انواع ولاء است. به اعتقاد نویسنده، پس از اسلام به تدریج ولاء حلف به ولاء عقیده تبدیل شد و به جای قبیله، «امت» و به جای تحالف یا موالاة، «مؤاخاة» قرار گرفت. نویسنده در بحث از ولاء عتاقه، از ضرورت فتوحات و به اسارت گرفتن تعداد زیادی به عنوان برده، یاد کرده و آزادسازی آنها را که طبق شرایطی خاص صورت می‌گرفت، «ولاء عتاقه» نامیده است.

نویسنده سپس به تحولی که در مفهوم ولاء پس از اسلام اتفاق افتاده، اشاره کرده و بیان نموده که پس از ظهور اسلام و با آغاز دوران فتوحات، شمار زیادی از اسرای غیرعرب نصیب اعراب گشت، بنابراین «عرب» از اسیر گرفتن افراد عرب‌نژاد، اجتناب کرده و آرام آرام مفهوم ولاء به غیر عرب محدود گردید. به اعتقاد نویسنده چنین گرایشی به طور مشخص در پایان خلافت خلفای راشدین شروع به خودنمایی کرد و به خوبی بیانگر آن است که تعصب قبیله‌گرایی در تحت لوای اسلام، هنوز وجود داشته است.



به باور جمال جوده، «ولاء حلف» گسترده‌ترین شکل ولاء نزد عرب پیش از اسلام و پیمان یا قراردادی بود که میان چند طرف که قصد تعاون و همیاری میان خود داشتند، منعقد می‌شد و بازارهای عمومی مانند عکاظ، ذی‌المجاز و همچنین کعبه و دارالندوه و یا خانه‌های شیوخ قبایل از مکان‌های انعقاد این پیمان بوده است

مناسبات بین موالی پرداخته است. به گمان وی این رابطه، همیشه ثابت نبوده و گاه برخی از موالی برای تغییر رابطه ولاء از یک فرد یا قبیله به فرد یا قبیله دیگر، اقدام می‌نمودند. نویسنده در ادامه بیان نموده است که موالی با وجود اختلاف شکل در ولاء، همگی به ولاء عرب منتسب می‌شدند و در شمار قبایل عرب بودند. (ص ۱۵۲)

در بحث از «شمار موالی در شهرها»، نویسنده مراکز اصلی حوزه قلمرو اسلامی یعنی کوفه، بصره، شام و حجاز را از لحاظ ترکیب جمعیت موالی و رشد و افزایش ایشان، مورد بررسی قرار داده است. سپس وی در بحث از «ترکیب اجتماعی قبیله» عناصر تشکیل‌دهنده این ترکیب را صلیبه، حلفاء، موالی، هجنا، ادعیاء، ام‌البنین و ام‌الولد بر شمرده و موقعیت و جایگاه هریک را تشریح نموده است.

مبحث بعدی این فصل یعنی «مصاهرت» به بحث ازدواج موالی با عرب و دیدگاه اعراب نسبت به این امر، پرداخته است. به اعتقاد نویسنده اعراب به شدت مخالف این امر بودند، اما به تدریج ازدواج‌هایی بین آنها صورت گرفت. در بحث از «امامت نماز و قضا»، نویسنده دیدگاهی را که معتقد است موالی حق امامت جماعت عرب را نداشته‌اند، مورد نقد و بررسی قرار داده و این دیدگاه را برگرفته از روایات کوفی بر شمرده و نتیجه می‌گیرد که منع موالی از امام جماعت عرب، فقط مختص کوفه بوده است. (ص ۲۰۳)، در رابطه با قضاوت موالی، نویسنده بر ویژگی‌های شغل قضا تأکید کرده و بیان می‌کند که از آنجا که لازمه امر قضا این بود که قاضی به عادات و رسوم و روحیات و نسب عرب آگاهی داشته باشد، بنابراین موالی شایستگی تصدی آن مقام را نداشته‌اند.

در مبحث «وراثت و عاقله»، نویسنده به بررسی موضوع ارث و دیه نزد موالی پرداخته و شرایط این امر را بسته به نوع ولاء تشریح نموده است. بحث پایانی این فصل به «آغاز پیدایش شعوبیه» اختصاص دارد. به اعتقاد نویسنده، افزایش قابل توجه موالی در شهرها، از پایان دوران سفیانیان و آغاز دوران مروانیان اول، که به لحاظ تعداد هم اندازه عرب‌ها شده بودند، منجر به این شد که موالی در زندگی روزمره با آنها شریک شوند و این به نوبه خود به پیدایش نزاع میان موالی و عرب و یا به پیدایش طلیعه‌های شعوبی‌گری منجر شد. (ص ۲۱۳) نویسنده در جایی دیگر اشاره نموده که برخورد نژاد عرب با نژاد پارسی در بصره، موجب پیدایش شعوبیه شد که بعدها در دوران عباسیان گسترش یافت، به نحوی که همه نژادها را در بر گرفت.

کتاب با فهرست منابع و مأخذ به پایان می‌رسد. شاید عدم وجود فهرست اعلام در کتاب محققان را با مشکل مواجه سازد، که امید می‌رود مسئولان محترم «نشر نی» در آثار بعدی خویش به این مهم توجه فرمایند.

به دنبال این مباحث، نویسنده از «ولاء تبعاعه» - ولایی که بین دو نفر آزاد که اغلب یکی از آن دو عرب بوده منعقد می‌شده، یاد کرده و انواع آن را ولاء اسلام، ولاء انقطاع، ولاء خدمه، ولاء عقد، بر شمرده و تعاریف و شرایط و ضوابط هریک از این پیمان‌های ولاء را تشریح نموده و شواهد و روایات متعدد تاریخی در رابطه با موضوع را ذکر نموده است.

فصل سوم، اوضاع اقتصادی موالی:

موالی در این فصل به طور کلی به مفهوم «موالی غیرعرب» در نظر گرفته شده است. نویسنده سعی کرده فعالیت‌های گوناگون انجام گرفته توسط موالی را تشریح نماید، از این رو این فعالیت‌ها را در پنج بخش: ۱- کارهای یدی و تجارت ۲- دبیری و کار در دیوان‌ها ۳- حجاب و حراست (شرطه) ۴- مالکیت اراضی و کار ملک‌داری به وکالت از اربابان ۵- شرکت در دیوان لشکر، دسته‌بندی نموده و با استفاده از شواهد و روایات تاریخی به بیان فعالیت‌های گوناگون آنها پرداخته است. نویسنده با انتقاد از نظر مورخان معاصری که می‌پندارند موالی در ارتش بنی‌امیه شرکت نداشته‌اند و به آنها اجازه ثبت نام در دیوان لشکر داده نمی‌شده و یا عرب به آنان عطایی نمی‌داده، ضرورت بازنگری در این دیدگاه را مطرح ساخته و نتیجه می‌گیرد که نام موالی در دیوان ثبت می‌شده و آنان «عطا» هم می‌گرفته‌اند. حتی به عقیده او موالی در دوره امویان، دیوان خاص خود را داشته‌اند و البته عطای موالی و عرب از همان ابتدا و از زمانی که برای هر دو گروه سهم مقرر شده بود، یکسان نبوده است. نویسنده اقدامات حضرت علی (ع) و عمر بن عبدالعزیز را در جهت تعدیل و تساوی موالی با عرب در عطا، به عنوان شواهدی برای گفته‌های خویش ذکر کرده است. (ص ۱۴۳)

فصل چهارم، اوضاع اجتماعی موالی:

این فصل شامل مباحث زیر است: ۱- تابعیت موالی ۲- شمار موالی در شهرها و فزونی آنان ۳- ترکیب اجتماعی قبیله ۴- مصاهرت ۵- امامت نماز و قضا ۶- وراثت و عاقله ۷- آغاز پیدایش شعوبیه
در بحث از «تابعیت موالی»، نویسنده به بررسی رابطه دو جانبه ولاء و